

واژگان مشابه و معانی مختلف آن در قرآن کریم

عظیم عظیم پور مقدم

یُضَارُّ» در شکل مجهول باشد. و همچنین «لا یمسه» در آیه: «لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمَطَهَّرُونَ» (واقعه/۷۹) می‌تواند نهی یا نفی تلقی گردد، که در اینجا قصد بررسی و تعیین «لا» را نداریم. و گاهی نیز ساختارهای مشترکی که در حالت‌های مختلف فعل‌های معتل یا مضاعف حاصل می‌گردد، می‌تواند بیانگر چند معنا باشد، چنان که «قُرْنٌ» در آیه: «... وَ قُرْنٌ فِي بَيْوتِكُمْ وَ لَا تَبْرَحْنَ تَبْرَجَ الْجَاهِلِيَّةِ...» (سجده/۳۳) می‌تواند فعل امر از «قَرَّ» و «قَارَأَ» و «يَا زَقْرًا» باشد که در هر حال معنای یکسان نخواهند داشت.

در این نوشتار، بیان همه موارد یاد شده میسر نیست، اما از آنجا که واژه «ان» در آیات فراوانی از قرآن کریم استفاده شده است و لغزش‌های بیشتری در ترجمه این گونه آیات به چشم می‌خورد نوع و جایگاه «ان» مورد بررسی قرار گرفته است و از رهگذر مقایسه و ارزیابی ترجمه‌ها و استنباط‌های متفاوت از «ان» و نیز با بهره‌مندی از دلایل علمی و دیدگاه‌های تفسیری، در شیوه دستیابی به معنای درست «ان» و بیان مفهومی مناسب‌تر از آیاتی که این گونه واژه را در خود دارند، تلاش شده است.

۱- تلقی صحیح از «ان» مخففه

«ان» دارای چند معنا است^۳ که حداقل سه معنای آن یعنی: شرط، نفی و تأکید در قرآن به کار رفته است و برای تشخیص هر کدام از آنها معیارهای ظاهری یا معنوی در آیه وجود دارند. اما با این حال در ترجمه بسیاری از آیاتی که «ان» در آنها بکار رفته است، اختلاف‌هایی به چشم می‌خورد. این اختلاف‌ها، گاهی در یک ترجمه و از مقایسه یک آیه یا بخشی از آن که بطور یکسان در دو یا چند موضع تکرار شده است، به چشم می‌خورد و گاهی دیگر اختلاف ترجمه‌ها در یک آیه است:

«...إِنَّ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» در سوره آل عمران آیه ۱۶۴ و همچنین سوره جمعه آیه ۲، آمده است. در حالی که در ترجمه مصباح‌زاده در دو سوره، یکسان معنی نشده است. در یک

در این پژوهش، نوع و جایگاه «ان» -مخفف یافته این- در آیات قرآن مورد بحث و بررسی قرار گرفته است و از رهگذر ارزیابی و مقایسه ترجمه‌های فارسی و با بهره‌مندی از دلایل علمی و آراء مفسران، تلاش شده است تا لغزش و کاستی‌های برخی از مترجمان در تلقی و استنباط مفهوم نفی یا شرط از «ان» مخففه تبیین گردد و حاصل بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که «ان» در ترکیب: «و+ان+فعل+...» در آخر آیات، نمی‌تواند معادل مناسبی برای «هرچند» و «اگر چه» باشد، بلکه این معادل با ترکیب: «و+لَوْ+فعل+...» در آخر آیات آمده است. و «ان» در ترکیب: «و+ان+فعل+...+لَوْ+...» که بیشتر در آخر آیات قرآن به چشم می‌خورد، تنها مفهوم تأکید خواهد داشت.

کلید واژه‌ها: مفهوم شرط و «ان» مخففه، جایگاه ادبی و قرآنی «ان»، مفهوم نفی و «ان» مخففه

مقدم

شاید از عنوان این نوشتار که تشابه الفاظ و تعدد معانی را با خود حمل می‌کند، موضوع وجوه و نظایر در ذهن تبادر کند؛ اما وجوه و نظایر با وجود اختلاف دیدگاه در میان دانشمندان این است که یک واژه با یک لفظ و یک حرکت، در مواضع مختلفی از قرآن آمده باشد که در هر موضع بیانگر معنایی باشد که با مواضع دیگر متفاوت باشد و در واقع، نظایر به الفاظ و واژگان، و وجوه به معنای و مفاهیم بر می‌گردد.^۱

اما گاهی برخی از واژگان در اثر تغییرات ناشی از قواعد عربی -صرف یا نحو- شکل اصلی خود را از دست داده و شکل واژگانی را به خود می‌گیرد که می‌تواند از معنای گوناگونی برخوردار شود. در این گونه موارد، دقت لازم در تغییرات واژه و بررسی قواعدی که باعث این تغییرات شده است و بازگشت به اصل واژه، برای رسیدن به معنای درست آن و سرانجام، ارائه نمودن یک ترجمه صحیح از آیه، امری ضروری به نظر می‌رسد. برای نمونه می‌توان از «ان» مخففه «ان» یاد کرد که در برخی از ترجمه‌ها از آن، مفهوم نفی یا شرط برداشت شده است و باعث اختلافات چشم‌گیری در ترجمه‌ها گردیده است. و نیز وارد شدن «لا» بر سر فعل‌های مضاعف در ثلاثی مجرد و مزید، تشخیص نفی از نهی و گاهی معلوم از مجهول را مشکل می‌نماید. چنان که «لَا يُضَارُّ» در آیه: «...و لَا يُضَارُّ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ وَ ان تَفْعَلُوا فَانهُ فَسُوقٌ بَكْم...» (بقره/۲۸۲) که با وجود «لا» نهی مجزوم شده است، می‌تواند بیانگر «لَا يُضَارُّ» در شکل معلوم و یا «لا

سوره با

مفهومی از شرط و در سوره

دیگر با مفهوم تأکید آمده است:

آل عمران/۱۶۴: "... و اگرچه بودند از پیش هر

آئینه در گمراهی روشن".

جمعه/۲: "... و بدرستی که بودند از پیش هر آئینه در

گمراهی آشکار".

"... و **إِنْ كُنَّا عَنْ دِرَاسَتِهِمْ لَغَافِلِينَ** (انعام/۱۵۶). مفهوم "إِنْ"

در این آیه، در ترجمه‌ها، یکسان نیامده است، در برخی از ترجمه‌ها با مفهوم تأکید بیان شده است:

شعرانی: "... و بدرستی که هستیم از خواندنشان هر آئینه بیخبران".

مجتبوی: "... و هر آئینه ما از خواندن (کتاب) آنان ناآگاه بودیم". و در ترجمه‌های دهلوی و سراج نیز مفهوم تأکید با "و البته"، "و به تحقیق" بیان شده است.

در بین ترجمه‌های مورد بررسی، تنها در ترجمه خواجوی، "إِنْ" با مفهومی از شرط آمده است:

خواجوی: "... و اگرچه ما از خواندن آن بی‌بهره بوده‌ایم." و در دسته‌های دیگر از ترجمه‌ها، با اینکه از "إِنْ" مفهوم شرط تلقی نشده است، اما مفهوم تأکید نیز در ظاهر جمله نیامده است.^۴

فیض الاسلام: "... و ما از خواندن ایشان آگاه نبودیم...". معزی: "... و بودیم از درس گرفتنشان بی‌خبران". آیتی: "... و ما از آموختن آنها غافل بودیم".

و در ترجمه‌های؛ قمشهای، کاویان‌پور، جلال‌الدین فارسی، پورجوادی، مکارم، فولادوند و خرمشاهی، "إِنْ" محققه تلقی شده است اما هیچ واژه‌ای به عنوان تأکید نیامده است. با توجه به این‌که "إِنْ" با معانی مختلف، در قرآن به طور چشم‌گیری مورد استفاده واقع شده است، آیات زیادی می‌توانند موضوع این بحث باشند. ولیکن بیشترین اختلاف مربوط به آیاتی است که "إِنْ" در آنها با «و او» و بدون جواب آمده باشد و چنین ترکیبی بیشتر در پایان آیات و جملات قرآن به چشم می‌خورد. و جالب اینجاست که در اینگونه ترکیب‌ها، لام مفتوحه، نشانگر خوبی برای "إِنْ" حقیقه است.

از آنجا که برخی از مترجمان در ترجمه چنین آیاتی، "و این" را مانند "و گو" شرط پنداشته‌اند، ذکر نمونه‌ها، بررسی و مقایسه ترجمه‌ها و توجه به قواعد عربی و نقش آن در دست یافتن به ترجمه درست‌تر، ما را در تبیین واقعیت‌ها یاری می‌کند:

«... **وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعُ**

الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلَيَّ عَقْبَيْهِ وَ إِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ

هَدَى اللَّهُ...» (بقره/۱۴۳) = "... و قبله‌ای را که بر آن بودی قرار

ندادیم مگر برای آنکه کسی را از پیامبر پیروی می‌کند از کسی که بر دو پاشنه‌اش برمی‌گردد (روی می‌گرداند) معلوم بداریم. و بدرستی که این (تغییر قبله) جز بر آنانکه خدا هدایتشان کرده است، دشوار بود...»

موضوع مورد بحث ما در این آیه، آن قسمتی است که با "و" "إِنْ" آمده است:

«**وَ إِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ...»** با این‌که در

این قسمت از آیه به جهت ظاهر نبودن اسم «کانت» و مفعول «هدی»، اختلافاتی در ترجمه‌ها به چشم می‌خورد اما محور اصلی بحث را اختلاف در مفهوم "إِنْ" تشکیل می‌دهد که در ترجمه‌ها به سه شیوه بیان شده است:

الف) مفهوم تأکید که با واژگانی چون: البته، هر آئینه، مسلماً و... بیان شده است:

دهلوی: "... و هر آئینه هست این خصلت دشوار مگر بر آنکه ایشانرا راه نموده است خدا...".

سراج: "... و البته تغییر قبله بود گران مگر بر آنانکه راه نمود خدا (آنها را)...".

فیض الاسلام: "... و محقق است که تغییر قبله (بر همه مردم) بزرگ و دشوار است مگر بر آنان (مؤمنین) که خدا (آنها را) هدایت و راهنمایی نموده...".

مجتبوی: "... و هر آئینه این (قرار دادن قبله - مسجدالاقصی -) جز بر آنان که خدا ایشان را راه نموده دشوار بود...".

معزی: "... و همانا گران است مگر بر آنان که هدایت کرده است خدا...".

مکارم: "و مسلماً این حکم، جز بر کسانی که خداوند آنها را هدایت کرده، دشوار بود...".

ب) مفهومی از شرط که با واژگانی مانند هرچند، گرچه و اگرچه بیان شده است:

خواجوی: "... و اگرچه این جز بر کسانی که خداوند هدایتشان کرده است سخت گران است...".

مصباح‌زاده: "... و اگرچه بوده باشد هر آئینه گران مگر بر آنان که هدایت کرد خدا...".

فولادوند: "... هرچند (این کار) جز بر کسانی که خدا هدایت (شان) کرده، سخت گران بود...".

در ترجمه‌های کاویان‌پور، جلال‌الدین، پورجوادی، آیتی،

یاسری، اشرفی تبریزی و شعرانی نیز مفهوم شرط با واژگان یاد شده آمده است.

ج) مفهومی از شرط و تأکید در ظاهر ترجمه نیامده است؛ خرمشاهی: "... و آن (پیروی) جز بر کسانی که خداوند هدایتشان کرده است، گران آید...".

مقالات ترجمه‌ها

به نظر می‌رسد مفهوم درست تر در آیه شریفه مورد بحث، در ترجمه‌هایی مبین گشته است که "اِنَّ" را "اِنَّ" مخففه تلقی کرده و برای آن نیز مفهومی از تأکید لحاظ کرده‌اند. هرچند این مفاهیم در قالب واژگانی است که در زبان متداول فارسی چندان رایج نیست، اما برای رعایت اصول ترجمه و به تصویر کشیدن کلمات وحی در نزد مخاطب، در حد امکان، مطلوب و پسندیده است. و دلایل کافی در قرآن و منابع علوم عربی، نشان می‌دهند که "اِنَّ" در این آیه و آیات مشابه، خفیفه بوده و نمی‌توان از آن مفهوم شرط استنباط کرد. البته در ترجمه‌هایی که از "اِنَّ" مفهوم شرط دریافت شده است، شرط واقعی نیست، بلکه مفاهیمی مانند: "هرچند" و "آگرچه" بوده که بیانگر نوعی تأکید از موضوع پیشین‌اند و زیادت و فزونی در فهم را به همراه دارند و گاهی نیز با مفاهیم عمومی آیه منافاتی ندارند و چه بسا با ادبیات فارسی نیز سازگارتر باشد. اما ترجمه کلام خدا با سایر متون عربی یکسان نبوده و از اهمیت و دقت ویژه‌ای برخوردار است و این نکات نباید از دید مترجم پنهان بماند.

بنابراین چه دلایلی در این آیه خفیفه است؟

در منابع علوم عربی درباره "اِنَّ" - مخففه "اِنَّ" مباحث متعددی مطرح شده است، اما مهم‌ترین موضوع که به یاری آن می‌توان به ترجمه صحیح‌تر آیاتی که "اِنَّ" خفیفه دارند، دست یافت، وجود لام مفتوحه‌ای است که در اینگونه ترکیبات - بر سر خبر - هرگونه شبهه‌ای را در برداشت معانی متعدد از "اِنَّ" برطرف می‌سازد؛

"اِذَا خَفَّتْ اِنَّ" اهملت وجوباً ان وليها فعل، كقوله تعالى: "وَ اِنَّ نَظْمَكَ لَمِنَ الْكَادِبِينَ" فأن وليها اسم فالكثير الغالب اهما لها... و متى خففت و اهملت لزمتها اللام المفتوحة وجوباً...⁵ = هرگاه "اِنَّ" مخففه شود، اگر در پی آن فعل بیاید، هرگز عمل نمی‌کند. چنانکه در سخن خدای متعال آمده است: "وَ البته ما تو را از دروغ‌گویان می‌دانیم." و اگر در پی آن اسم بیاید، در بیشتر موارد عمل نمی‌کند... و هر گاه (اِنَّ) مخففه شود و عمل نکند، آمدن لام مفتوحه برایش ضروری و لازم است..."

وجود لام مفتوحه بر سر خبر اِنَّ مخففه، بویژه در ترکیباتی

چون آیه

مورد بحث و دیگر آیات

مشابه که در پی "اِنَّ" فعل آمده باشد، به عنوان یک امر ضروری⁶ مورد تأکید منابع علوم عربی قرار گرفته است.⁷

پس وجود لام مفتوحه در آیات مورد بحث می‌تواند

به عنوان فصل الخطاب به هرگونه اختلافی در معنی "اِنَّ" پایان دهد که به غیر از مفهوم تأکید، مفهوم دیگری از آن استنباط نگردد.

براساس بررسی‌های انجام شده در آیات قرآنی، موقعیت "اِنَّ" خفیفه در آیات و نتایج بدست آمده از معانی آن در ترجمه‌ها را می‌توان به شرح زیر تقسیم‌بندی نمود:

۱- "اِنَّ" یا "وَ اِنَّ" در آغاز آیات بر سر فعل وارد شده⁸ و جواب با لام مفتوحه همراه است. در بیشترین آیاتی که چنین موقعیتی را دارند، از "اِنَّ" در ترجمه‌ها مفهوم شرط یا نفی، استنباط نشده است، بلکه "اِنَّ" همان "اِنَّ" تلقی شده است:

«وَ اِنَّ يَكْفُرُ الَّذِينَ كَفَرُوا يُزِلُّونَكَ بِاَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ...» (قلم، ۵۷) = و حقیقت این است که کسانی که کفر ورزیده‌اند هنگامی که این ذکر (قرآن را) شنیدند نزدیک بود تو را به (نحوست) چشمانشان بلغزانند... (مشکنی)

«اِنَّ كَادَ لَيُضِلَّنَا عَنْ الْهَيْئَةِ لَوْلَا اَنْ صَبَرْنَا عَلَيْهَا...» (فرقان، ۴۷) = و به راستی نزدیک بود که ما را از خدایانمان گمراه سازد اگر ما (بر عبادت) آنها صبر نمی‌ورزیدیم... (همو)

«وَ اِنَّ كَادُوا لَيَفْتِنُونَكَ عَنِ الَّذِي اَوْحَيْنَا اِلَيْكَ...» (سراء، ۷۳) = حقیقت این است که نزدیک بود که (مشركان) تو را از آنچه ما به تو وحی کرده‌ایم... منحرف سازند... (همو)

«وَ اِنَّ كَادُوا لَيَسْتَفْتِنُونَكَ مِنَ الْاَرْضِ لِيُخْرِجُوكَ فِيهَا...» (سراء، ۷۶) = و حقاً نزدیک بود که (...) تو را از زمین مکه بشورانند تا از آن بیرون کنند... (همو)

۲- "اِنَّ" یا "وَ اِنَّ" بر سر جملات و ترکیبات پایانی آیات آمده باشد؛

در بررسی انجام شده از آیاتی که جملات پایانی آنها با "اِنَّ" شروع شده‌اند، لام مفتوحه در ترکیب به چشم نمی‌خورد و در هیچکدام از ترجمه‌ها مفهوم شرط با واژگان "هرچند، گرچه و اگرچه" بیان نشده است، بلکه "اِنَّ" با مفهوم کلی شرط یعنی "اگر" آمده است:

«...قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ اِنَّ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (بقره، ۱۱۷) = بگو دلایلتان را بیاورید اگر راستگو هستید.

«...إِنْ»

فِي ذَلِكَ لآيَةٌ لِّإِن كُنْتُمْ

مُؤْمِنِينَ (بقره/۲۴۷) = البته که در آن

نشانه‌ای است، اگر اهل ایمان باشید.

«لَعَلَّنَا تَتَّبِعَ السَّحْرَةَ إِن كَانُوا هُمُ الْغَالِبِينَ» (شعراء/۴۰)

= شاید ساحران را پیروی کنیم اگر آنها غلبه یابند.

و بررسی انجام شده از آیاتی که جملات پایانی آنها با "و"

این شروع شده‌اند، نشان می‌دهد که اینگونه ترکیبات لام

مفتوحه دارند و ترجمه‌ها در بیان مفهوم "و این" شیوه یکسان

ندارند. برخی آن را شرط تلقی کرده و با مفاهیمی چون: هرچند

و اگرچه، معنی کرده‌اند و برخی دیگر آن را "این" پنداشته و به

عنوان حرف تأکید، در ترجمه آن واژگانی چون: البته، یقیناً،

مسلماً، هر آینه و... آورده‌اند و یا آن را به عنوان حالتی از وصل

یا پیش درآمدی در جمله تلقی کرده و مفهوم خاصی برایش

نیابوده‌اند.^۹ ولیکن در هر حال از این گونه ترکیبات، هیچ وقت

مفهوم کلی شرط به معنی "اگر" استنباط نکرده‌اند.

در یک ارزیابی کلی از بررسی‌های انجام شده در آیاتی که

"و این" در ترکیبات پایانی آنها آمده است، چنین نتیجه‌گیری

می‌شود که این ترکیبات همیشه لام مفتوحه داشته‌اند و

مترجمانی که آن را به معنای "هرچند" یا "اگرچه" آورده‌اند،

خودشان در ترجمه آیات مشابه، شیوه یکسان نداشته‌اند، پس

این گروه نمی‌توانند برای کار خود دلیل قانع‌کننده‌ای داشته

باشند؛

«...وَأَن كَانُوا مِن قَبْلِ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» (ان عمران/۱۶۴: جمعه/۶)

این قسمت از آیه که در دو سوره از قرآن تکرار شده است،

مترجم آن را به دو شیوه ترجمه کرده است؛

یاسری و مصباح‌زاده در ترجمه سوره جمعه، آیه ۲ چنین

آورده‌اند:

"... و بدرستی که بودند از پیش هر آینه در گمراهی آشکار."

و در ترجمه آل عمران، ۱۶۴ آورده‌اند:

"و اگرچه بودند از پیش هر آینه در گمراهی روشن."

حال اگر از علت اختلاف ترجمه، در یک بخش مشترک از

دو آیه، آنها از سوی یک مترجم، سؤال شود، ای بسا جواب

همچنان در هاله‌ای از ابهام بماند.

اگر مترجمانی که "و این" را در موقعیت‌های یاد شده،

"هرچند" یا "اگرچه" معنی کرده‌اند، دلیلشان، متون عربی غیر از

قرآن باشد، باید گفت هرچند ترکیب: "و این + فعل +..." در پایان

جملات در متون عربی غیر از قرآن، گاهی می‌تواند چنین

معنایی داشته باشد.^{۱۰} اما باید توجه داشت که ترکیبات غیر

قرآنی، برخلاف ترکیبات قرآنی، لام مفتوحه ندارند. و اینگونه
قیاس‌ها بین متون عربی غیرقرآنی و قرآن شایسته نیست،
چراکه کاربرد کلمات وحی، با اینکه عربی هستند، با کلمات
عربی غیر وحی، همیشه یکسان نیستند.

توجه به کاربرد "هرچند"، "اگرچه" و "با اینکه" و معادل آنها

در قرآن، ما را به حقیقت موضوع نزدیک‌تر می‌سازد. مفاهیم یاد

شده وقتی بکار می‌روند که در فهم جمله نوعی زیادت، فزونی

و تأکید در تحقق یک امر، اراده شود و این مفاهیم در قرآن تنها با

ترکیب: "وَلَوْ + فعل +..." در پایان آیات یا جملات قرآنی بیان

شده است، که در اینگونه ترکیب‌ها جوابی در رومساخت برای

"و" نیامده است. و در ترجمه‌ها نیز در معنای "و لو" در ترکیب

مزبور، اختلافی وجود ندارد.

«...وَأِذَا قُلْتُمْ فَاعْدُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ» (انعام/۱۵۲) = و هرگاه

سخن می‌گویید، دادگری کنید، هرچند خویشاوند باشد.

در این آیه، در آغاز به عدالت و دادگری در شهادت و داوری

امر شده است، اما از آنجا که ممکن است خویشاوندی مانع

انجام این امر باشد، تأکید شده است که هرچند این عدالت در

گفتار به زیان خویشاوند باشد، باز هم از انجام آن نباید غفلت

کرد.

«قُلْ لَا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ وَلَوْ أَعْجَبَكَ كَثْرَةُ الْخَبِيثِ...»

(مائد/۱۰۰). = بگو پلید و پاک یکسان نیستند، هرچند فراوانی

پلید تو را به شگفتی اندازد.

در این آیه از یکسان نبودن پاک و ناپاک سخن به میان آمده

است و چون در معادلات مادی و بشری، ممکن است ملاک

برابری یا برتری، مقدار و کمیت باشد، ترکیب "و لو..." این معادله

را به هم زده و تأکید می‌کند که فراوانی ناپاک و پلید هرگز

نمی‌تواند مزیت و برتری، نسبت به پاک و خوبی به شمار آید.^{۱۱}

نتیجه بررسی‌های انجام شده از ترجمه‌های آیاتی که به

نوعی در آنها ترکیب: "و + ان + فعل +..." آمده است.

نشان می‌دهد که هیچگاه مترجمان در بیان مفهوم شرط از

ترکیب مذکور اتفاق‌نظر نداشته‌اند، اما آیاتی وجود دارند که

ترکیب یاد شده در آنها، در ترجمه‌ها تنها با مفهوم تأکید بیان

شده است یعنی در تلقی مفهوم "ان" از "ان" دیدگاه‌ها یکسان

بوده است؛

«وَمَا آتَىٰ إِلَّا بَشْرٌ مِّثْلًا وَإِن نَّظُنُّكَ لَمِنَ الْكَاذِبِينَ» (شعراء/۱۸۶)

«تَاللَّهِ إِن كُنَّا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» (شعراء/۹۷)

«وَيَقُولُونَ سُبْحَانَ رَبِّنَا إِن كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا» (اسراء/۱۰۸)

آیات مزبور، نمونه‌هایی هستند که در مفهوم "ان" از "ان" در

ترجمه‌ها اختلافی وجود ندارد.

نمونه‌هایی از آیاتی که در ترجمه "این" اختلاف نظر وجود دارد:

«إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ وَإِن كُنَّا لَمُبْتَلِينَ» (مؤمنون/۳۰).

در این آیه در تمام ترجمه‌های مورد بررسی، "این" با مفهومی از "این" بیان شده است، جز در ترجمه جلال‌الدین فارسی که با مفهومی از شرط آمده است؛

"بیگمان در آن حادثه البته آیت‌هایی است، گرچه ما آزمایش‌کننده بودیم."

«فَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ إِن كُنَّا عَنْ عِبَادَتِكُمْ لَغَافِلِينَ» (یونس/۲۹).

در این آیه، در ترجمه مکارم شیرازی از "این" مفهومی شرط استنباط شده است، اما با توجه به دلایلی که شرح آنها گذشت، در این آیه "این" مفهومی "این" را دارد.

"همین بس که خدا میان ما و شما گواه باشد، اگر ما از عبادت شما غافل بودیم."

و در ترجمه‌های: فیض‌الاسلام و آیتی، نفی معنی شده است.

فیض‌الاسلام: "بس است که خدا میان ما و شما گواه باشد (در اینکه) ما از عبادت و پرستش‌تان (در دنیا) آگاه نبودیم)..."

آیتی: "خدا به شهادت میان ما و شما کافی است که ما از پرستش شما هرگز آگاه نبوده‌ایم."

در سایر ترجمه‌ها، "این" با مفهومی "این" بیان شده است که این مفهوم در برخی از ترجمه‌ها تنها بیانگر حالتی از "وصل" است: جلال‌الدین فارسی: "بس خدا به گواه بودن میان ما و شما بسنده است که ما از پرستش شما غافل بودیم."

در ترجمه‌های فیض‌الاسلام و آیتی، هرچند به نظر می‌رسد که از "این" مفهومی نفی تلقی نشده است، بلکه مفهومی "غافلین" با نفی ضد خودش بیان شده است، یعنی بجای بی‌خبر بودن، آگاه نبودن آمده است. اما بهتر آن بود که برای فراهم نشدن زمینه‌های شبهه در مفهومی نفی از "این" و نیز رعایت اصول در ترجمه کلام وحی، "غافلین" در معنی خودش بیان می‌شد.

«وَإِن كَانَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ لَضَالِّينَ» (حجر/۷۸).

و در این آیه در ترجمه‌های معزی، جلال‌الدین، یاسری و شعرانی، "این" با مفهومی شرط به معنای "هرچند" یا "اگرچه" آمده است و در سایر ترجمه‌ها به مفهومی "این" بیان شده است.

«وَإِن كَانُوا مِن قَبْلِ أَنْ يُنزَلَ عَلَيْهِمْ مِنَ قَبْلِهِ لُمُسِينَ» (روم/۴۹).

در این آیه در ترجمه‌های: دهلوی، خواجوی، فارسی، یاسری، مصباح‌زاده، شعرانی، تبریزی، معزی و آیتی، مفهومی

شرط با

"گرچه" و "اگرچه" بیان شده

است. و در ترجمه‌های قشمه‌ای و

پورجوادی "هرچند" آمده است.

و در ترجمه‌های سراج، فیض‌الاسلام، مجتبیوی،

مکارم شیرازی، فولادوند و خرمشاهی، مفهومی تأکید با

واژگانی چون: البته، محققاً، هر آینه، قطعاً و بیشک، بیان شده است.

و در ترجمه کاویان‌پور در ظاهر جمله، مفهومی از شرط و

تأکید وجود ندارد، بلکه مفهومی را به صورت حالیه بیان کرده

است:

"و حال آنکه پیش از نزول باران بر مراتع آنها مایوس و ناامید بودند."

«قَالُوا تَاللَّهِ لَقَدْ آثَرَكَ اللَّهُ عَلَيْنَا وَإِن كُنَّا لَخَاطِئِينَ» (یوسف/۹۷).

در این آیه، تنها در ترجمه سراج "این" به مفهومی شرط آمده

است:

"قرزندان یعقوب گفتند بخدا سوگند که حقاً برگزید ترا خدا

بر ما (به نبوت و سلطنت) و اگرچه هستیم ما خطاکار"

و در سایر ترجمه‌ها، "این" به همان مفهومی "این" آمده است.

«وَقَدْ مَكَرُوا مَكْرَهُمْ وَعِنْدَ اللَّهِ مَكْرُهُمْ وَإِن كَانَ مَكْرُهُمْ

لِتَرْوُلٍ مِّنْهُ الْجِبَالِ» (ابراهیم/۴۶).

در ترجمه‌های بررسی شده، "این" در این آیه به دو گونه معنی

شده است:

در ترجمه‌های قشمه‌ای، خواجوی، کاویان‌پور، فارسی،

مصباح‌زاده، یاسری، اشرفی تبریزی، شعرانی، معزی،

پورجوادی، آیتی، مکارم شیرازی، فولادوند و خرمشاهی، "این"

شرط معنی شده است، که برای نمونه در چهار نوع از

ترجمه‌های مزبور چنین آمده است:

مجتبیوی: "و همانا نیرنگ خویش به کار بردند و نیرنگشان

نزد خداست ... هرچند که از نیرنگشان کوه‌ها از جا کنده

شود."

مصباح‌زاده: "... هرچند مکرشان چنان باشد که کوه‌ها را از

جا برکند."

مکارم: "... هرچند مکرشان چنان باشد که کوه‌ها را از جا

برکند."

خرمشاهی: "و به راستی که نیرنگشان را ورزیدند و (کیفر)

نیرنگشان با خداست، و گرچه کوه‌ها در اثر نیرنگشان از جای

بروند.

ماهو كالجبال و هو دين الرسل او دين محمد...^{۱۵}

... من كسر اللام الاولى و فتح الثانية [تزول] جعل (إن) بمعنى (ما) و التقدير، و ما كان مكرهم لتزول، و مثل ذلك قوله ان الكافرون الأفي غرور و معناه ما الكافرون...^{۱۶}

... قال ابوعلی من قرأ لتزول بالنصب فان ان هي النافية فيكون مثل قوله و ما كان الله ليطلعكم على الغيب. فمعناه و ما كان مكرهم لتزول منه الجبال و الجبال كأنه امر النبي صلى الله عليه وآله و اعلامه و دلالة...^{۱۷}

حاصل بحث اینکه با توجه به قواعد عربی و توضیحات لازم درباره ترکیب آیه که "إن" در خود دارد و نیز شرایط خاص حاکم بر آیه و مضمون آن که بیانگر ضعف و بی اثر ماندن نیرنگ ستمگران است و نه قدرت و عظمت آن، پس معنای مناسب تر برای "إن"، نفی به نظر می رسد که در ترجمه های دهلوی، سراج و فیض الاسلام، مورد اهتمام واقع شده است.

با نوشتها:

۱) دامغانی حسین بن محمد، (م ۴۷۸ هجری)، الوجوه والنظائر لالفاظ كتاب الله العزيز، تحقيق: عربی عبد الحمید علی، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۲۴ق.؛ و (نک: سیوطی، الاتقان؛ زرکشی، البرهان مبحث الوجوه والنظائر)؛ و (نک: ابن الجوزی، نزهة الاعین النواظر فی الوجوه والنظائر).

۲) ترجمه هایی که در این نوشتار مورد استفاده و بررسی قرار گرفته اند عبارتند از:

قرآن کریم، ترجمه آیتی، عبدالمحمد، تهران، انتشارات سروش، چاپ چهارم، ۱۳۷۴ ش.

قرآن کریم، ترجمه اشرفی تبریزی، محمود، تهران، انتشارات جاویدان، چاپ چهارم، ۱۳۷۳ ش.

قرآن کریم، ترجمه الهی قمشاهی، مهدی، تهران، بنیاد نشر قرآن و انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۷۶ ش.

قرآن کریم، ترجمه امامی، ابوالقاسم، تهران، انتشارات اسوه، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش.

قرآن کریم، ترجمه بهبودی، محمدباقر، تهران، خانه آفتاب، چاپ اول، ۱۳۶۹ ش.

قرآن کریم، ترجمه پورجوادی، کاظم، تهران، انتشارات بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۲ ش.

قرآن کریم، ترجمه خرمشاهی، بهاءالدین، تهران، انتشارات نیلوفر - جامی، چاپ اول، ۱۳۷۲ ش.

قرآن کریم، ترجمه خواجوی، محمد، تهران، انتشارات مولی، ۱۳۱۰ ق ۱۳۶۹ ش.

در ترجمه های دهلوی، سراج و فیض الاسلام، "إن" به معنای نفی آمده است: دهلوی: "و هر آئینه بدسگالیدند بدسگالی خویش را و نزدیک خداست علم بدسگالی ایشان و نیست بدسگالی ایشان بدان مثابه که از جای روند بسبب آن کوهها".

سراج: "و حقاً که کافران (...) کوشش کردند در نیرنگ آنچه نهایت نیرنگشان بود و نزد خداست نیرنگشان (...) و نبود نیرنگشان بحدی که از جای بروند از آن نیرنگ کوهها".

نتیجه بحث و مقایسه ترجمه ها

چنانکه پیشتر گذشت، صحیح ترین معنی برای ترکیب قرآنی: "وَ + إِنْ + فِعْلٌ + ... + تِلْ + ... + ..." که بیشتر در پایان آیات می آید، مفهوم تأکیدی است، یعنی "إن" در واقع همان شکل تخفیف یافته "إن" می باشد. اما در ترکیب آیه محل بحث - وَ + إِنْ + فِعْلٌ + (...) + تِلْ + ... + مَضَارِعٌ مَنْصُوبٌ - دو نکته در خور اهمیت است: ۱ - لام موجود در ترکیب، مکسوره است، ۲ - بعد از لام مکسوره، مضارع منصوب آمده است. بی شک این لام باید یکی از حروفی باشد که "أَنَّ" ناصبه در خود دارد. در مباحث عربی مربوط به "حروف مضمرة به أن"، تنها از سه نوع لام سخن به میان آمده است نه بیشتر؛ لام عاقبت، لام تعلیل و لام جحود.^{۱۲}

لام در "لَتَزُولَ" نمی تواند لام عاقبت باشد، زیرا فعل "تَزُولَ" نمی تواند بیانگر عاقبت و سرانجام مفهوم پیشین خود باشد، و این لام نمی تواند لام تعلیل باشد، چون "تَزُولَ" نمی تواند بیانگر علت و سبب مکر و نیرنگ آنها باشد. پس باید "لام جحود" باشد که برای تأکید در نفی استفاده می شود و در پی "مَا كَانَ" یا "لَمْ يَكُنْ" که از افعال ناقص اند می آید.^{۱۳}

با اینکه "لَتَزُولَ" در پی "مَا كَانَ" یا "لَمْ يَكُنْ" نیامده است، اما "إِنَّ كَانَ" می تواند در مقام نفی، عهده دار نقش "مَا كَانَ" باشد، چنانکه این موضوع در برخی از تفاسیر نیز مورد توجه واقع شده است:

"... إن به معنی مای نفی است و المعنی: و ما كان مكرهم لتزول منه الجبال: و «لام» برای تأکید نفی است. مثل قوله: مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ... و ما كان الله ليعذبهم...^{۱۴}

قرآن کریم، ترجمه دهلوی، شاه ولی الله، پیشاور، نورانی کتب‌خانه، بی‌تا.

قرآن کریم، ترجمه دهلوی، شاه ولی الله، مدنیه منوره، چاپخانه قرآن کریم، مجمع ملک فهد، ۱۴۱۷ ق.

قرآن کریم، ترجمه سراج، سیدرضا، تهران، شرکت سهامی طبع، بی‌تا.
قرآن کریم، ترجمه شعرانی، ابوالحسن، تهران، کتابفروشی اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۴ ش.

قرآن کریم، ترجمه فارسی، جلال‌الدین، تهران، بی‌جا، چاپ اوک، ۱۳۶۹ ش.

قرآن کریم، ترجمه فولادوند، محمدمهدی، قم، دارالقرآن‌الکریم، چاپ اوک، ۱۳۷۳ ش.

قرآن کریم، ترجمه فیض الاسلام، بی‌جا، بی‌تا.

قرآن کریم، ترجمه کاویان‌پور، احمد، تهران، انتشارات اقبال، چاپ اوک، ۱۳۶۷ ش.

قرآن کریم، ترجمه مجتبی، جلال‌الدین، تهران، انتشارات حکمت، چاپ اوک، ۱۳۷۱ ش.

قرآن کریم، ترجمه مصباح‌زاده، عباس، تهران، انتشارات جاویدان، چاپ سوم، ۱۳۷۲ ش.

قرآن کریم، ترجمه معزی، محمدکاظم، قم، انتشارات أسوه، چاپ اوک، ۱۳۷۲ ش.

قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی، ناصر، دارالقرآن‌الکریم و دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، چاپ اوک، ۱۳۷۳ ش.

قرآن کریم، ترجمه (آیه الله) مشکینی، علی، قم، انتشارات الهادی، چاپ اوک، پاییز ۱۳۸۰ ش.

قرآن کریم، ترجمه میدی، احمد، (م ۵۲۰ ق)، نگارش: حبیب‌الله آموزگار، ۲ ج، تهران، انتشارات اقبال، چاپ چهارم، ۱۳۸۰ ش.

(۳) شاید بتوان یکی دیگر از انواع «ان» را، زائده بودن آن دانست، چون آمدن «ان» در آیه ۲۶ سوره احقاف: «ولقد مکنناهم فیما ان مکنناکم فیہ...» و نیامدن آن در آیه ۱۰ سوره اعراف: «...ولقد مکنناکم فی الارض...» می‌تواند این ذهنیت را فراهم کند.

(۴) بیان مفهوم تأکید از «ان» همیشه ضروری نیست، چون گاهی برای وصل یا پیش‌درآمد می‌آید. (نک: ایمن امین، عبدالغنی، النحوالکافی، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اوک، ۱۴۲۱ ق. ص ۲۱۷؛ آذرنوش، آذرنوش، آذرتاش، تاریخ ترجمه از عربی به فارسی، ۱- ترجمه‌های قرآنی، تهران، انتشارات سروش، چاپ اوک، ۱۳۷۵ ش. ص ۴۴)

(۵) غلابینی، مصطفی، جامع‌الدروس العربیة، تهران، انتشارات ناصرخسرو، چاپ سوم، بی‌تا، ج ۲ ص ۳۲۵ و ۳۲۶

(۶) نیابردن لام مفتوحه که به لام فارهه نیز معروف است، در صورت وجود قراین در ترکیب و نبودن شبه، امکان‌پذیر است. اما در آیات مورد

بحث این لام

وجود دارد-

(۷) نک: عباس، حسن، النحوالوافی، ۴ ج،

قاهره، دارالمعارف، چاپ پنجم، بی‌تا، ج ۱ ص ۶۷۵؛ ابن

هشام انصاری، جمال‌الدین (م ۷۶۱ ق)، مغنی اللیب عن کتب

الاعراب، تحقیق: مازن مبارک و محمدهلی حمدالله، بیروت،

چاپ پنجم، ۱۹۷۹ م، ج ۱ صص ۳۳-۴۰

(۸) آیات دیگری نیز با اندکی تفاوت در موقعیت، شرایط یاد شده را دارند: «تالله ان کتانی ضلال مبین» (شعراء ۹۷)، «قالوا ان هذان لساحران...» (طه / ۶۳)، (قصص / ۱۰)

(۹) برای کسب آگاهی بیشتر رجوع شود به: (آذرنوش، تاریخ ترجمه، پیشین صص ۴۴؛ ایمن امین، پیشین صص ۲۱۷)

(۱۰) آنسافر و ان کان البرد شدیداً؟ فتجیب: نعم و ان أنطعی السائل وان کان اجنبیاً؟ فتجیب: وان... (نک: ابن هشام، پیشین ج ۱ صص ۳۰۵)؛ رادمش

در معانی حروف (صص ۱۴۲) در توجیه مفهوم «اگرچه» یا «هرچند» از «ان» می‌گوید: «گاهی «ان» احتیاج به جمله جواب شرط ندارد. در آن صورت بعد از «او» می‌آید و برای تأکید و تقریر بر فعل ماقبل است «او برای نمونه، آیه ۲ از سوره جمعه را می‌آورد و در ترجمه «... و ان کانوا من قبل لعی ضلال مبین» می‌نویسد: «... اگرچه آن مردم پیش از آن در گمراهی آشکار بودند.»

(۱۱) «لو» در غیر از ترکیب و موقعیت یاد شده، در معانی شرط یا مصدری در قرآن، فراوان استفاده شده است که معنی «هرچند» یا «گرچه» را ندارد.

(۱۲) لام تعلیل یا لام کئی فعلی که در پی آن می‌آید بیانگر علت مفهوم پیشین است: «و انزلنا الیک الذکر لتبین للناس...» لام عاقبت، فعلش به عنوان سرانجام و نتیجه پیشین تلقی می‌گردد: «فالتقطه ال فرعون لیكون لهم عدواً وحزناً»

(۱۳) نک: غلابینی، پیشین ج ۲ صص ۱۸۲-۱۷۹؛ عباس حسن، پیشین ج ۴ صص ۳۲۰؛ ایمن امین، پیشین صص ۴۱ و...

(۱۴) ابوالفتوح رازی، حسین بن علی محمد بن احمد خزاعی نیشابوری (م ۵۵۲ ق)، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ۱۴ ج تاکنون، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۴-۱۳۶۶ ش.

ج ۱ صص ۳۹۲

(۱۵) شبر، سید عبدالله، (م ۱۴۴۲ ق)، تفسیر القرآن‌الکریم، بیروت، دارالبلاغه، چاپ اوک، ۱۴۱۲ ق. صص ۲۶۱

(۱۶) طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن بن علی (م ۴۶۰ ق)، الثبیان فی تفسیر القرآن، ۱۰ ج، تحقیق: احمد حبیب قصیرالعاملی، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اوک، ۱۴۰۹ ق. ج ۶ صص ۳۰۶

(۱۷) طبرسی، امین‌الدین فضل بن علی (م ۵۴۸ ق)، مجمع‌البیان لعلوم القرآن - ج ۱۰ - در ۵ مجلد - بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۹ ق. ج ۳ صص ۳۲۲